

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد محترم: در مورد این جمله شهید آوینی که می فرمایند: «میان انسان و عالم خلقت، روح و جسم، کم و کیف اتحاد فطری برقرار است و دلالت و تاویل امور کمی بر امور کیفی، ناشی از همین سرمنشا واحد و اتحاد فطری میان آنهاست.» سوال اینجاست که منظور از صادق بودن قواعد حاکم بر عالم ماده بر عالم مجردات چیست و گستره آن تا کجاست؟ و آیا می توان بر طبق قواعد حاکم بر عالم ماده و طبیعت، پی به قواعد حاکم بر عالم مجردات برد؟ مانند ضرب المثل افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است. و برعکس آیا می توان قواعد عالم مجرد را بر عالم ماده تطبیق داد؟ پس این وسط تفاوت های عالم ماده و عالم مجرد چه می شود؟ مثلاً این که در عالم ماده تزاحم است ولی در عالم مجردات تزاحمی وجود ندارد؟ هرچند که در مورد این سوالات خود شهید آوینی در مقاله تاملی در ماهیت سینما بدان جواب گفته اند، اما بنده می خواهم توضیحات و ارجاعات شما را هم در مورد این موضوع بدانم تا ابهاماتم در این زمینه کمتر بشود. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می‌کنم با مطالعه‌ی «برهان صدیقین» نگاه خوبی جهت این امر برایتان پیش می‌آید که عالم ماده از جهت وجودی نازلهی عالم ملکوت است و از این جهت می‌تواند آیندهی آن عالم باشد، مشروط بر این‌که با نگاه وجودی به آن بنگریم. تزاحم‌ها به جهت کثرت‌هایی است که منشاء آن ماهیات‌اند. موفق باشید